امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشـــــــاد،حـــج واوقـــــاف

ریاست عمومی ارشاد و انسجام مساجد وحسینیه ها

موضوع خطابت روز جمعه و تقریر وبیان تحریر شده که به تمام خطباء
مرکز و ولایات به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۹/ جمادی الثانی/۱۴۴۸ هـ، ق مطابق۲۹/عقرب/۱۴۰۵هـ، ش

رفتارخوب با زندانیان از دیدگاه اسلام،وچند نمونۀ برخورد نیک پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با آنان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الحمد لله رب العالمين ، والصلاة والسلام على سيدنا محمد النبي الأمي الأمين وعلى آله وصحبه الطيبين الطاهرين والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين ، وبعد!

قال الله سبحانه وتعالى:(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعاً سُجَّداً يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَاناً سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً).(۱)

پیش از بعثت رسول‌الله ﷺ، مردم در سراسر جهان با اسیران انواع گوناگون ظلم و ستم را روا می‌داشتند.

اسیران در جریان جنگ‌ها با ستم‌های شدید، تحقیر، شکنجه، گرسنگی، قتل و بردگی روبه‌رو می‌شدند.

آشوریان چشم‌های اسیران را از حدقه بیرون می‌کشیدند و پوست بدن آنان را می‌کندند.

در امپراتوری آشور قدیم بندی ها و اسیران دشمن به‌شدت بدرفتاری می‌شد. شلمنصر اول، پادشاه آشور(Shalmaneser-۱) ، دربارۀ جنگ‌های خود نوشته است که چهارده هزار تن از اسیران دشمن را نابینا ساخته بود.همچنین در بعضی از اسناد تاریخی آشور آمده است که در دوران پادشاهی وی، پوست بدن اسیران کنده می‌شد.همین‌گونه، رومیان مردان اسیر را به قتل می‌رساندند، زنان و کودکان را به بردگی می‌گرفتند و شماری از اسیران را در بازارها به فروش می‌رساندند.اما هنگامی که فروغ اسلام در جهان تابیدن گرفت، به همۀ این ستم‌ها و نابسامانی‌ها پایان بخشید و رفتار ناشایست و ظالمانه با اسیران را به رفتار نیکو و انسانی تبدیل کرد.

در دوران جاهلیت، عرب‌ها در جنگ‌های میان قبایل، مردان، زنان و کودکان قبیلۀ مخالف را به اسارت می‌گرفتند.

مردان اسیر را به‌عنوان غلام نگه می‌داشتند، زنان را کنیز می‌ساختند و گاهی آنان را به ازدواج اجباری وادار می‌کردند. کودکان را نیز اسیر می‌گرفتند و زندگی بردگی را بر آنان تحمیل می‌نمودند. اگر خانواده‌های اسیران فدیه می‌پرداختند، آنان آزاد می‌شدند؛ اما اگر فدیه‌ای پرداخت نمی‌کردند، به بردگی گرفته می‌شدند.

۱-الفتح: (۲۹)

در روزگار کنونی، کنوانسیون‌های بین المللی، نهادها و قوانین مدنی متعددی به نام حمایت از اسیران و زندانیان وجود دارد؛ اما بسیاری از این موارد چیزی جز نوشته‌هایی بر روی کاغذ نیستند و در عمل، از کارایی لازم برخوردار نمی‌باشند. ما و شما شاهد بودیم که امریکایی‌ها و نیروهای صلیبی با مجاهدان افغانستان، عراق و فلسطین در پشت دیوارهای زندان‌ها چنان ظلم، هتک حرمت و رفتارهای وحشیانه‌ای روا داشتند که در سراسر تاریخ بشریت نظیری برای آن نمی‌توان یافت. از مرحلهٔ بازداشت گرفته تا دوران اسارت در زندان‌ها وتوقیفگاه های کفری و طاغوتی، بر سر زندانی مسلمان چنان می‌آید که عقل انسان حتی توان تصور آن را ندارد.

در مقابل، دین مبین اسلام از همان نخستین روزها به نیک‌رفتاری با اسیران فرمان داده و حقوق آنان را تضمین کرده است. اسلام برای اسیران نظام و برنامهٔ جامعی را ترسیم نموده که بنیاد آن بر رحمت و عدالت استوار است و باید به بهترین وجه رعایت گردد.

برخی از جلوه‌های نیک‌رفتاری با اسیران که اسلام بر آن‌ها تأکید نموده است، قرار ذیل می‌باشد:

۱ -احترام به اسیران و حفاظت ازآنان در اسلام:

اسلام به اسیر کرامت و عزت بخشیده و حفاظت از جان او را تضمین کرده است. در اسلام هیچ‌کس حق ندارد به اسیر آسیبی برساند.

از دیدگاه اسلام، کسی که به اسارت درمی‌آید، کشتن او جایز نیست؛ بلکه موضوع سرنوشت وی باید به امام و رهبری مسلمانان واگذار شود تا امام با فرماندهان و صاحب‌نظران مشورت کند و دربارهٔ چگونگی رفتار و برخورد با اسیران تصمیم بگیرد.
فقهای کرام می‌فرمایند:(ولا يحل قتل الاسير بغير إذن الامام) (۲).
ترجمه: کشتن اسیر بدون اجازهٔ امام وقت (امیر)جایز نیست.
همچنین حماد بن أبي سليمان رحمه الله نیز کشتن اسیر را ناپسند می‌شمرد.(وحماد ابن أبی سليمان رحمه الله كان يكره قتل الاسير بعد ما وضعت الحرب أوزارها). (۳)
ترجمه: حماد بن ابی‌سلیمان رحمه الله، کشتن اسیر را پس از پایان جنگ ناپسند می‌دانست.

رسول‌الله ﷺ مسلمانان را به نیک‌رفتاری با اسیران سفارش نموده است. رسول‌الله ﷺ فرموده‌اند: «اسْتَوْصُوا بِالْأَسَارَى خَيْرًا) (٤).

ترجمه: با اسیران تان خیرخواهی کنید و با آنان برخورد شایسته داشته باشید.
علمای علم اصول گفته‌اند: در این حدیث، واژهٔ «خَيْرًا» به‌صورت نکره آمده است و این نکته بیانگر آن است که شیوه‌های احترام و نیک‌رفتاری با اسیران، در هر عصر و زمانی می‌تواند متفاوت باشد؛ یعنی در هر دوره باید متناسب با شرایط همان زمان، راه‌های شایستهٔ تکریم و خدمت به اسیران جست‌وجو و به‌کار گرفته شود.
در سیرهٔ عملی رسول‌الله ﷺ نیز نمونه‌ای روشن از این رفتار وجود دارد؛ با آن‌که یهودیان بنی‌قریظه در دشمنی و خیانت به مسلمانان از هیچ اقدامی دریغ نکرده بودند، رسول‌الله ﷺ هرگز نپذیرفت که آنان در گرمای شدید هوا در رنج و مشقت بمانند؛ بلکه به اصحاب خود دستور داد که هنگام استراحت نیم‌روز، آنان را نیز به استراحت واگذارند و برای‌شان آب سرد فراهم کنند.رسول‌الله ﷺ به صحابهٔ کرام فرمودند:(أَحْسِنُوا إِسَارَهُمْ وَقَيِّلُوهُمْ وَأَسْقُوهُمْ حَتَّى يُبْرِدُوا ...لَا تَجْمَعُوا عَلَيْهِمْ حَرَّ الشَّمْسِ وَحَرَّ السِّلَاحِ) (٥)

---

۲ - السير الكبير مع شرح السرخسي(۲ /۷۰۷)
۳- السير الكبير(۳ /۱۰۲٤)
٤ - المعجم الصغير للطبراني (۱/ ۲۵۰)، وقال الهيثمي: إسناده حسن. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد. محقق(٦ /٥٩)
٥ - مغازي الواقدي (ص: ٥١٥)

ترجمه: با آنان در دوران اسارت به نیکی رفتار کنید، آنان را برای استراحت نیم‌روز بخوابانید و به ایشان آب بدهید تا خنک شوند؛ گرمای آفتاب و گرمای شـــمشـــیر را یک‌جا بر آنان تحمیل نکنید.(وَكَانَ الْوَلِيدُ بْنُ الْوَلِيدِ بْنِ الْمُغِيرَةِ يَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ وَيَزِيدُ وَكَانُوا يَحْمِلُونَنَا وَيَمْشُونَ) (٦)

ترجمه: ولید بن ولید بن مغیره نیز همین سخن را می‌گفت و بر آن می‌افزود که صحابهٔ کرام ما را بر مرکب‌های خود سوار می‌کردند و خودشـان پیاده راه می‌رفتند.رسـول‌الله ﷺ اسـیران مشرک را برای حفاظت از جان و رعایت حقوق‌شان به خانه‌های صحابهٔ کرام می‌فرستادند. در روایتی آمده است: (روى أنه عليه الصلاة والسلام كان يبعث الأسارى من المشركين ليحفظوا وليقام بحقهم وذلك لأنه يجب إطعامهم) (٧)

ترجمه: در روایتی آمده است که پیامبر علیه‌السلام اسیران مشرک را به خانه‌های صحابهٔ کرام می‌فرستادند تا از آنان محافظت شود و حقوق‌شان رعایت گردد؛ زیرا غذا دادن به اسیران واجب است.

قال ابْنُ وَهْبٍ أَخُو بَنِي عَبْدِ الدّارِ (أَنّ رَسُولَ اللّهِ صَلّى اللّهُ عَلَيْهِ وَسَلّمَ حِينَ أَقْبَلَ بِالْأُسَارَى فَرّقَهُمْ بَيْنَ أَصْحَابِهِ وَقَالَ اسْتَوْصُوا بِالْأُسَارَى خَيْرًا) (٨)

ترجمه: ابن وهب، برادر بنی عبدالدار، می‌گوید: هنگامی که اسیران جنگ بدر نزد رسول‌الله ﷺ آورده شدند، آن حضرت آنان را میان صحابهٔ خود تقسیم کردند و سپس به آنان سفارش نمودند که با اسیران به نیکی رفتار کنید و برخوردی شایسته داشته باشید.

احترام ویژه از اسیرانی که دارای مقام و منزلت خاص هستند:

ثمامة بن أثال از بزرگان و شـخصـیت‌های برجسـتهٔ عرب به‌شـمار می‌رفت. او در جریان یکی از رویدادها به دست اصحاب کرام رسـول‌الله ﷺ اسـیر شـد، در حالی‌که صـحابهٔ کرام از جایگاه و منزلت والای او آگاهی نداشتند. رسول‌الله ﷺ با وی رفتار نیکو و شـایسـته‌ای پیش گرفتند و پس از چند روز، بر او احسـان نموده و به صـحابهٔ کرام فرمودند: «أَطْلِقُوا ثُمَامَةَ»؛ ثمامه را آزاد کنید. صحابهٔ کرام نیز او را آزاد کردند. سپس وی به باغی رفت، غسل نمود و به نزد رسول‌الله ﷺ بازگشت و کلمهٔ شهادت را بر زبان جاری ساخت و به شرف اسلام مشرف گردید. این برخورد سرشار از نرمی، مهربانی و تکریم، سبب شد که قلب شخصیتی برجسته و ممتاز به اسلام متمایل گردد؛ زیرا او فردی عادی نبود، بلکه از سران و بزرگان قوم خویش به‌شمار می‌رفت.
اسلام آوردن او نه از روی ترس و نه به‌منظور حفظ جان و نجات خویش بود؛ بلکه با ایمان و اعتقاد راسخ و از روی صداقت مسلمان شد.

٢ -برهنه ساختن بدن اسیران در اسلام جایز نیست:

اسـلام دسـتور می‌دهد که بخش‌های پوشـیدنی بدن اسـیر محفوظ بماند و از برهنه سـاختن او خودداری شود؛ حتی برایش لباس مناسب و شایسته فراهم گردد تا آن را بر تن کند.

در روایتی آمده است: عن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ لَمَّا كَانَ يَوْمَ بَدْرٍ أُتِيَ بِأُسَارَى وَأُتِيَ بِالْعَبَّاسِ وَلَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ ثَوْبٌ فَنَظَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَهُ قَمِيصًا فَوَجَدُوا قَمِيصَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أُبَيٍّ يَقْدُرُ عَلَيْهِ فَكَسَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِيَّاهُ.) (٩)

٦- مختصر تاريخ دمشق (ص: ٣٨٧٧)
٧- تفسير مفاتيح الغيب ـ موافق للمطبوع(٣٠ /٢١٦)
٨ - سيرة ابن هشام (١ /٦٤٤)
٩- صحيح البخاري ت (٧/ ٥٥٣)

ترجمه: از حضرت جابر بن عبدالله رضي الله عنهما روایت است که فرمود: هنگامی که روز جنگ بدر فرا رسید، شماری از اسیران را نزد پیامبر ﷺ آوردند. در میان آنان حضرت عباس نیز بود، در حالی‌که لباسی بر تن نداشت. پیامبر علیه‌السلام برای او پیراهنی جست‌وجو کردند. صحابهٔ کرام پیراهن عبدالله بن اُبَی را یافتند که اندازهٔ قامت او بود؛ ازاین‌رو، پیامبر ﷺ همان پیراهن را بر تن وی پوشاندند.

هنگامی که سفانه دختر حاتم طایی در میان اسیران آورده شد، چنین می‌گوید:(فَكَسَانِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَحَمَلَنِي، وَأَعْطَانِي نَفَقَةً، فَخَرَجْتُ حَتَّى قَدِمْتُ الشَّامَ) (١٠)

ترجمه: رسول‌الله ﷺ برایم لباس فراهم کردند، مرا بر مرکب سوار نمودند و هزینهٔ سفر نیز به من عطا کردند؛ تا این‌که از مدینهٔ منوره بیرون شدم و به سرزمین شام رسیدم. همچنین، آن حضرت دستور دادند برای اسیران قبیلهٔ هوازن لباس خریداری شود تا هیچ‌یک از آنان بدون پوشش و لباس مناسب از بند رها نگردند. عن سعيد بن المسيب وعروة بن الزبير قالا: (أن رسول الله أمر رجلاً أن يقدم مكة فيشتري للسبي ثياب المعقد فلا يخرج الحر منهم إلا كاسياً) (١١)

ترجمه: از سعید بن مسیب و عروه بن زبیر روایت است که هر دو گفتند: رسول‌الله ﷺ به مردی دستور دادند که به مکه مکرمه برود و برای اسیران لباس تهیه کند، تا هیچ شخصی از میان آنان از بند بیرون نشود، مگر در حالی‌که لباس بر تن داشته باشد.

۳ -فراهم ساختن خوراک و نوشیدنی برای اسیران:

در اسلام، غذا دادن به اسیران و برآورده ساختن نیازهای آنان، یکی از راه‌های رسیدن به بهشت و کسب پاداش الهی شمرده شده است. در قرآن کریم و سنت نبوی، نصوص فراوانی آمده است که به رفتارنیک با اسیران تأکید میکند؛ رفتاری که با کرامت و جایگاه انسانی آنان سازگار باشد. الله تعالی در سورهٔ انفال می‌فرماید:(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ) [١٢]

ترجمه: ای پیامبر به اسیرانی که در زیر دست شما اند بگو اگر الله در دلهای شما نیکی را معلوم کند البته به شما بهتر از آن فدیه ای که از شما گرفته شده است میدهدوشما را می آمرزد والله بسیار آمرزگار ومهربان است. وقتیکه الله تعالی به آن اسیرانی که در دلهایشان خیر باشد وعده بخشش ومغفرت میدهد، بعد از این از برای مسلمانان تنها این باقی میماند که با آنها مطابق توان بسیار به رحمت ومهربانی وسلوک انسانی معامله بکنند. اسلام با روحیهٔ بردباری و رحمت خویش، غذا دادن به اسیران و گرسنه نگذاشتن آنان را بر مسلمانان لازم گردانیده است.

خوراک اسیران باید از لحاظ کیفیت و مقدار، همانند غذای مسلمانان باشد؛ بلکه اگر امکان داشته باشد، باید غذایی بهتر و مرغوب‌تر از غذای خودشان برای آنان فراهم سازند.

الله تعالی کسانی را که به اسیران غذا می‌دهند، چنین ستوده است:(وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا) (١٣)

ترجمه: وطعام را با وجود محبت وحاجت خود به بینوا ویتیم واسیر میدهند.

١٠- معرفة الصحابة لأبي نعيم (٦/ ٣٣٦٢)

١١ - دلائل النبوة ـ للبيهقي موافقا للمطبوع(٥ /١٩٣)

١٢ -الانفال:(٧٠)

١٣- الإنسان:(٨)

امام قتاده رحمه الله می‌نویسد:(لقد أمر الله بالاسرى أن يحسن إليهم، وأن أسراهم يومئذ لاهل الشرك، وأخوك المسلم أحق أن تطعمه) (١٤)

ترجمه: الله تعالی به نیک‌رفتاری و احسان در حق اسیران فرمان داده است، با آن‌که اسیران مسلمانان در آن روزگار از مشرکان بودند؛ پس برادر مسلمان تو به مراتب سزاوارتر است که به او غذا بدهی.

امام ابن‌العربی رحمه الله در ذیل تفسیر این آیهٔ مبارکه، یعنی { وَأَسِيرًا }، چنین نوشته است:(وَفِي إطْعَامِهِ ثَوَابٌ عَظِيمٌ ، وَإِنْ كَانَ كَافِرًا فَإِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُهُ . وَقَدْ تَعَيَّنَ بِالْعَهْدِ إطْعَامُهُ) (١٥)

ترجمه:غذا دادن به اسیر پاداشی بزرگ دارد، هرچندکافر باشد؛زیرا الله تعالی به او نیز روزی می‌رساند و بر اساس پیمان و تعهد، غذا دادن به اسیر بر عهدهٔ مسلمانان قرار گرفته است.هنگامی که رسول‌الله ﷺ دربارهٔ اسیران جنگ بدربه مسلمانان فرمودند:«اسْتَوْصُوا بِالْأُسَارَى خَيْرًا) (١٦)

با اسیران به نیکی رفتار کنید، مسلمانان چنان به این سفارش عمل کردند که نخست به اسیران غذا می‌دادند و سپس خود غذا می‌خوردند. افزون بر آن، بهترین خوراک خویش را در اختیار اسیران قرار می‌دادند و خود به غذای ساده‌تر و کم‌کیفیت‌تر بسنده می‌کردند.

در روایتی آمده است که صحابهٔ کرام خود خرما می‌خوردند و نان گندم را که معمولاً به اندازهٔ کافی در اختیار نداشتند، به اسیران می‌دادند.

عَنْ الزُّهْرِيِّ ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسْتَوْصُوا بِالْأَسْرَى خَيْرًا فَقَالَ أَبُو الْعَاصِ بْنُ الرَّبِيعِ:كُنْت مَعَ رَهْطٍ مِنْ الْأَنْصَارِ جَزَاهُمْ اللَّهُ خَيْرًا، كُنَّا إذَا تَعَشَّيْنَا أَوْ تَغَدَّيْنَا آثَرُونِي بِالْخُبْزِ وَأَكَلُوا التَّمْرَ وَالْخُبْزُ مَعَهُمْ قَلِيلٌ وَالتَّمْرُ زَادُهُمْ حَتَّى إنَّ الرَّجُلَ لَتَقَعُ فِي يَدِهِ الْكِسْرَةُ فَيَدْفَعُهَا إلَيَّ). (١٧)

ترجمه: از امام زهری رحمه الله روایت است که فرمود: رسول‌الله ﷺ فرمودند: با اسیران به نیکی رفتار کنید. ابوالعاص بن ربیع می‌گوید: من در میان گروهی از انصار بودم؛ الله تعالی به آنان پاداش نیک عنایت فرماید. هرگاه شام یا چاشت می‌خوردیم، آنان نان گندم را به من اختصاص می‌دادند و خودشان خرما می‌خوردند؛ در حالی‌که نان در اختیار آنان اندک و خرما خوراک اصلی‌شان بود. کار به جایی می‌رسید که اگر تکه‌ای نان به دست یکی از آنان می‌افتاد، همان را نیز به من می‌داد.

مسلمانان با اسیران چنان رفتار می‌کردند که گویی آنان مهمانانی هستند که در سرزمین اسلامی به آنان پناه آورده‌اند؛ ازاین‌رو، وظیفهٔ مسلمانان بود که با این مهمانان، با عزت، احترام و بزرگواری رفتار کنند.یکی از جلوه‌های مهربانی رسول‌الله ﷺ این بود که شخصاً به احوال اسیران رسیدگی می‌کردند و از آنان احوال‌پرسی می‌نمودند تا اطمینان حاصل کنند که کسی به آنان آسیبی نرسانده است.اسلام غذا ندادن به اسیر را از گناهان بزرگ به‌شمار آورده است. وقتی غذا ندادن به یک گربه گناه محسوب می‌شود، پس به طریق اولی، غذا ندادن به یک انسان اسیر، گناهی بزرگ‌تر و سنگین‌تر خواهد بود.

١٤- تفسير القرطبي (١٩ /١٢٩)

١٥ - أحكام القرآن لابن العربي(٨ /١٧)

١٦ - المعجم الصغير للطبراني (١/ ٢٥٠)، وقال الهيثمي: إسناده حسن. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد. محقق(٦ /٥٩)

١٧- مغازي الواقدي (ص: ١١٩)

از عبدالله بن عمر رضي الله عنهما روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمودند: «عُذِّبَتِ امْرَأَةٌ فِي هِرَّةٍ سَجَنَتْهَا حَتَّى مَاتَتْ، فَدَخَلَتِ النَّارَ، لَا هِيَ أَطْعَمَتْهَا وَسَقَتْهَا، إِذْ حَبَسَتْهَا، وَلَا هِيَ تَرَكَتْهَا تَأْكُلُ مِنْ خَشَاشِ الْأَرْضِ) (۱۸)

ترجمه: زنی به سبب یک گربه عذاب شد؛ زیرا آن گربه را زندانی ساخت تا این‌که از گرسنگی مرد و آن زن به‌خاطر همین گناه وارد دوزخ گردید. او نه به آن گربه غذا داده بود و نه آب؛ با آن‌که آن را در بند نگه داشته بود، و نه رهایش کرده بود تا از حشرات و دیگر موجودات روی زمین تغذیه کند .

اکنون اگر زنی به سبب زندانی ساختن یک گربه و غذا ندادن به آن، مستوجب عذاب دوزخ می‌شود، پس دربارهٔ کسی که انسانی را ـ که مقام و منزلتش به مراتب بالاتر از یک گربه است ـ شکنجه می‌کند و از غذا محروم می‌سازد، چه می‌توان گفت؟

۴ -شکنجه، مثله کردن، هتک حرمت، تحقیر و دشنام دادن به اسیران در اسلام ممنوع است:

احترام و تکریم اسیران در میان مسلمانان تا بدان‌جا اهمیت داشت که حتی برای به‌دست آوردن اطلاعات نظامی از نیروهای دشمن نیز آنان را شکنجه نمی‌کردند؛ با آن‌که این اسیران همان جنگجویانی بودند که به سرزمین‌های اسلامی یورش آورده بودند.

این رفتار، نمونه‌ای تاریخی از عزت، افتخار و سربلندی برای مسلمانان به‌شمار می‌رود.شریعت اسلامی این اصل اساسی را بیان می‌کند که داشتن قدرت و توانایی به معنای برخورداری از مجوز برای ارتکاب هرگونه ظلم و تجاوز نیست.از همین‌رو، رسول‌الله ﷺ حضرت عمر بن خطاب رضي الله عنه را از این کار بازداشتند که دندان‌های پیشین سهیل بن عمرو را بیرون بکشد تا دیگر نتواند علیه آن حضرت سخنرانی کند.

سهیل بن عمرو شاعری نامدار بود که در هجو و نکوهش رسول‌الله ﷺ شعر می‌سرود. هنگامی که مسلمانان او را به اسارت گرفتند، حضرت عمر رضي الله عنه به پیامبر علیه‌السلام عرض کرد:(يا رسول الله دعني أنزع ثنيتي سهيل بن عمرو فلا يقوم خطيبا في قومه أبدا فقال : دعه فلعله أن يسرك يوم) (۱۹)

ترجمه: ای رسول خدا! اجازه دهید دو دندان پیشین سهیل بن عمرو را بیرون بیاورم تا پس از این هرگز نتواند در میان قوم خود به سخنرانی برخیزد. پیامبر علیه‌السلام فرمودند: او را رها کن؛ شاید روزی فرا برسد که همین شخص تو را خوشحال سازد.

همچنین از امام مالک رحمه الله پرسیده شد:(أَيُعَذَّبُ الْأَسِيرُ إِنْ رُجِيَ أَنْ يَدُلَّ عَلَى عَوْرَةِ الْعَدُوِّ ؟ وَقَالَ : مَا سَمِعْت بِذَلِكَ.) (۲۰)

ترجمه: آیا اگر امید آن برود که اسیر دربارهٔ نقاط ضعف و مواضع پنهان دشمن اطلاعاتی ارائه کند، شکنجه کردن او جایز است؟

امام مالک رحمه الله در پاسخ فرمود: من دربارهٔ چنین کاری چیزی نشنیده‌ام.در روایت ابن هشام آمده است که رسول‌الله ﷺ به حضرت عمر رضي الله عنه فرمودند: «لَا أُمَثِّلُ بِهِ فَيُمَثِّلُ اللهُ بِي وَإِنْ كُنْتُ نَبِيًّا) (۲۱)

ترجمه: من بدن او را مثله نمی‌کنم؛ زیرا بیم دارم که الله تعالی بدن مرا نیز مثله سازد، هرچند پیامبر باشم.این سخن نبوی، اصل جاودانه در پاسداری حرمت جسم و کرامت انسان است؛ خواه اسیر باشد و خواه آزاد. همچنین، هرگونه شکنجه، آزار و مثله کردن بدن انسان را منع می‌کند؛ اعمالی که فطرت سالم انسانی آن‌ها را نمی‌پذیرد.

۱۸- صحيح البخاري ت (۸/ ۳۷۰)، صحيح مسلم (۸/ ۳۵)

۱۹- المستدرك (۳/ ۳۱۸)

۲۰- التاج والإكليل لمختصر خليل (٥ /١٤٦)

۲۱- سيرة ابن هشام (١/ ٦٤٩)

۵ -جدا ساختن اعضای یک خانواده از یکدیگر در میان اسیران جایز نیست:

رحمت و مهربانی رسول‌الله ﷺ، افزون بر جنبه‌های جسمی، ابعاد روحی و اجتماعی اسیران را نیز دربر می‌گرفت. اسلام جداسازی خویشاوندان از یکدیگر را ممنوع ساخته است.عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحُبُلِيِّ قَالَ: كُنَّا فِي الْبَحْرِ وَعَلَيْنَا عَبْدُ اللهِ بْنُ قَيْسٍ الْفَزَارِيُّ وَمَعَنَا أَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ، فَمَرَّ بِصَاحِبِ الْمَقَاسِمِ وَقَدْ أَقَامَ السَّبْيَ، فَإِذَا امْرَأَةٌ تَبْكِي، فَقَالَ: مَا شَأْنُ هَذِهِ؟ قَالُوا: فَرَّقُوا بَيْنَهَا وَبَيْنَ وَلَدِهَا، قَالَ: فَأَخَذَ بِيَدِ وَلَدِهَا حَتَّى وَضَعَهُ فِي يَدِهَا، فَانْطَلَقَ صَاحِبُ الْمَقَاسِمِ إِلَى عَبْدِ اللهِ بْنِ قَيْسٍ فَأَخْبَرَهُ، فَأَرْسَلَ إِلَى أَبِي أَيُّوبَ فَقَالَ: مَا حَمَلَكَ عَلَى مَا صَنَعْتَ؟ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: « مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ وَالِدَةٍ وَوَلَدِهَا فَرَّقَ اللهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْأَحِبَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (۲۲)

ترجمه: از عبدالرحمن حُبُلی روایت است که می‌گوید: ما در یک سفر دریایی بودیم و عبدالله بن قیس فزاری فرماندهٔ ما بود. حضرت ابوایوب انصاری رضي الله عنه نیز همراه ما حضور داشت. روزی ابوایوب انصاری رضي الله عنه از کنار مسئول تقسیم غنایم گذشت؛ در حالی‌که اسیران را برای تقسیم نگه داشته بود. ناگهان زنی را دید که گریه می‌کرد. پرسید: این زن را چه شده است؟ گفتند: میان او و فرزندش جدایی انداخته‌اند. پس ابوایوب انصاری رضي الله عنه دست فرزند آن زن را گرفت و او را نزد مادرش برد و دستش را در دست مادرش گذاشت. سپس مسئول تقسیم غنایم نزد عبدالله بن قیس رفت و او را از این رویداد آگاه ساخت. عبدالله بن قیس شخصی را نزد حضرت ابوایوب انصاری رضي الله عنه فرستاد و از او پرسید: چه چیزی تو را واداشت که چنین کاری انجام دهی؟ ابوایوب انصاری رضي الله عنه در پاسخ گفت: من از رسول‌الله ﷺ شنیدم که فرمودند: هرکس میان مادری و فرزندش جدایی بیندازد، الله تعالی در روز قیامت میان او و محبوبانش جدایی خواهد انداخت.

امام ترمذی رحمه الله پس از نقل این حدیث می‌فرماید:(وَالعَمَلُ عَلَى هَذَا عِنْدَ أَهْلِ العِلْمِ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَغَيْرِهِمْ، كَرِهُوا التَّفْرِيقَ بَيْنَ السَّبْيِ بَيْنَ الوَالِدَةِ وَوَلَدِهَا، وَبَيْنَ الوَلَدِ وَالوَالِدِ، وَبَيْنَ الإِخْوَةِ) (۲۳)

ترجمه: این حدیث مورد عمل اهل علم از میان صحابهٔ رسول‌الله ﷺ و دیگر عالمان بوده است. آنان جدا ساختن اسیران از یکدیگر را ناپسند می‌دانستند؛ به‌ویژه جدایی میان مادر و فرزندش، میان فرزند و پدرش و نیز میان برادران.

٦ -رفتار نیک با اسیران در محل اقامت و نگهداری آنان در اسلام:

رسول‌الله ﷺ و مسلمانان برای نگهداری اسیران، معمولاً یکی از دو مکان زیر را انتخاب می‌کردند:
۱ .مسجد؛ که در نزد مسلمانان مقدس‌ترین مکان به‌شمار می‌رود.
۲ .خانه‌های صحابهٔ کرام.
هدف از نگهداری اسیران در مسجد این بود که آنان از نزدیک عبادت، اخلاق و رفتار نیکوی مسلمانان را مشاهده کنند؛ شاید این اخلاق پسندیده بر آنان تأثیر بگذارد و نور ایمان در دل‌های‌شان جای گیرد. در حقیقت، این شیوه در مورد برخی از اسیران نتیجه‌بخش واقع شد؛ چنان‌که ثمامة بن أثال رضي الله عنه نیز پس از آن مسلمان گردید. همچنین نگهداری اسیران در خانه‌های صحابهٔ کرام، خود نمونهٔ برجسته‌ای از عزت، اکرام و احترام به آنان و وسیله‌ای برای خشنودی و آرامش خاطرشان بود؛ همان‌گونه که رسول‌الله ﷺ به آن سفارش فرموده بودند.

---

[۲۲]- مسند أحمد ط الرسالة (۳۸ /٤٨٥)، سنن الترمذي ت شاكر (٤ /١٣٤)
[۲۳] - سنن الترمذي ت شاكر (٤ /١٣٤)

از حسن بصری رحمه الله روایت شده است که هرگاه اسیری نزد رسول‌الله ﷺ آورده می‌شد، آن حضرت او را به یکی از مسلمانان می‌سپردند و به وی می‌فرمودند: «أَحْسِنْ إِلَيْهِ.»ترجمه: با این اسیر به نیکی رفتار کن.سپس آن اسیر دو یا سه روز در خانهٔ آن مسلمان می‌ماند و میزبان مسلمان، او را بر خویشتن مقدم می‌داشت و در فراهم ساختن نیازهایش، اسیر را بر خود ترجیح می‌داد.

چند نمونه از رفتار نیکوی رسول‌الله ﷺ با اسیران:

بشریت تا هنوز فرمانده و فاتحی مهربان‌تر از رسول‌الله ﷺ نشناخته است؛ کسی که با دشمنان خود و اسیرانی که به دستش می‌افتادند، چنین نیکوکارانه و با چنان مهربانی رفتار کرده باشد. در عصر جاهلیت، نه برای جنگ هیچ‌گونه اصول اخلاقی شناخته شده بود و نه برای اسیران حقوقی قائل می‌شدند و عزت، ناموس و حرمت مردم زیر پا گذاشته می‌شد، رسول‌الله ﷺ مبعوث گردید و تصوری والا و برتر از حقوق اسیران جنگی به جهانیان عرضه کرد.هرچند این اسیران کسانی بودند که با اسلام جنگیده بودند، با این‌هم رسول‌الله ﷺ به نیکی و احسان در حق آنان فرمان داده و برای مسلمانان در برابر آنان مسؤولیت‌هایی تعیین کرد و برای اسیران نیز حقوقی در نظر گرفت.از جمله این حقوق می‌توان به حق آزادی دینی، حق برخورداری از غذا و لباس، حق رفتار نیکو با آنان و حق حفظ کرامت و شرافت انسانی‌شان اشاره کرد. در سیرت مبارک رسول‌الله ﷺ، شواهد و نمونه‌های روشنی برای تمام این حقوق وجود دارد.پیش از آن‌که برخی از رفتارهای رسول‌الله ﷺ با اسیران و رویدادهای تاریخی مربوط به آن را بیان کنیم، شایسته است که سیرت و رهنمودهای آن حضرت را پیش از آغاز جنگ و در جریان آن نیز یادآور شویم تا ارزش‌های زیبا و والای تمدنیِ سیرت بهترین راهنمای بشریت، ﷺ، آشکار گردد.

رفتار نیکوی رسول‌الله ﷺ با اسیران، عفو و آزاد ساختن آنان:

داستان ثمامة بن أثال رضي الله عنه که به یکی از ستون‌های مسجد نبوی بسته شده بود، نمونه‌ای روشن از حکمت برخورد اسلام با اسیران است.

رسول‌الله ﷺ فرمان داد تا از او به‌خوبی نگهداری و پذیرایی شود و پیش از آزاد ساختنش، سفارش کرد که از غذای خود به او نیز غذا بدهند.

ثمامة بن أثال یکی از رهبران نامدار قبیله بنی‌حنیفه بود. او تصمیم گرفته بود به مدینه منوره برود و رسول‌الله ﷺ را به قتل برساند.

اما اصحاب رسول‌الله ﷺ او را دستگیر کردند و به مسجد نبوی آوردند. رسول‌الله ﷺ به صحابه کرام فرمود:«أَحْسِنُوا إِسَارَهُ»
ترجمه: در امور مربوط به اسارت و نگهداری او، با وی نیک‌رفتاری کنید.و نیز فرمود:«اجْمَعُوا مَا عِنْدَكُمْ مِنْ طَعَامٍ فَابْعَثُوا بِهِ إِلَيْهِ»
ترجمه: هرچه غذای در اختیار دارید، گرد آورید و برای او بفرستید.صحابه کرام برای او از شیر شتر رسول‌الله ﷺ می‌دادند) [۲۴]
این احسان سبب شد که دل او دگرگون گردد؛ کسی که پیش از آن دشمن سرسخت رسول‌الله ﷺ بود، بعدها از دوستداران آن حضرت شد.
این رویداد نشان می‌دهد که هدف از اسیر گرفتن در اسلام، آزار و اذیت انسان نیست، بلکه نجات او و فراخواندنش به سوی هدایت است. این رفتار بزرگوارانه و انسانی، تنها یک بخشش معمولی نبود، بلکه شیوه‌ای نبوی برای هدایت دل‌های مردم به شمار می‌رفت.

تأثیر این روش در زمانی کوتاه آشکار شد و شماری از اسیران نامدار، پس از آزادی، اسلام را پذیرفتند و به توحید الله تعالی اقرار کردند.

---

[۲۴]- سیرة ابن هشام (۲/ ۶۳۸)

از جمله این افراد، نام‌های زیر یاد شده‌اند:

- ولید بن ولید.
- سائب بن عبید.
- سهل بن بیضاء.
- حضرت عباس بن عبدالمطلب رضي الله عنه، بنا بر برخی روایت‌های راجح.

بدین‌گونه، رسول‌الله ﷺ می‌خواست به جهانیان ثابت سازد که هدف اصلی دعوت اسلام، خون‌ریزی و علاقه به کشتار نیست؛ بلکه اسلام از خون‌ریزی جلوگیری می‌کند و برای نجات و حفاظت انسان، هر راه ممکن را جست‌وجو می‌نماید.

این همان هدف رسالتی است که الله تعالی دربارهٔ آن می‌فرماید:(وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) [۲۵]ترجمه: و تو را نفرستادیم، مگر رحمتی برای همهٔ جهانیان. در حقیقت، اسلام دین حفظ زندگی انسان است، نه نابود ساختن او؛ منهج ساختن و پرورش انسان است، نه ویران کردن وی.

۲ -رفتار نیکوی رسول‌الله ﷺ با اسیران جنگ بدر:

پس از جنگ بدر، رسول‌الله ﷺ به صحابه کرام خود سفارش کرد که با اسیران مشرک رفتار نیک کنند و به آنان فرمود:اسْتَوْصُوا بِالْأُسَارَى خَيْرًا) (۲۶)با اسیران به نیکی رفتارکنید!

صحابه کرام رضي الله عنهم به‌گونهٔ کامل از این سفارش مبارک رسول‌الله ﷺ پیروی کردند و نمونه‌هایی از رفتار نیک با اسیران از خود به‌جا گذاشتندکه شایستهٔ یادآوری در صفحات تاریخ است.

برادر مصعب بن عمیر رضي الله عنه که در جنگ بدر اسیر شده بود، می‌گوید:من در میان گروهی از انصار اسیر بودم. هرگاه آنان غذای صبح و شام را می‌آوردند، خود خرما می‌خوردند و برای من نان گندم می‌دادند. آنان همهٔ این کارها را به سبب سفارش رسول‌الله ﷺ انجام می‌دادند.

ابوالعاص بن ربیع نیز دربارهٔ تجربهٔ زندگی خود در میان اسیرکنندگانش می‌گوید:من در میان گروهی از انصار اسیر بودم. الله تعالی به آنان پاداش نیکو عطا فرماید! هرگاه برای شام یا چاشت غذا می‌خوردیم، آنان نان را به من می‌دادند و خود خرما می‌خوردند؛ در حالی‌که نان‌شان بسیار اندک بود و غذای اصلی آنان خرما به شمار می‌رفت.تا آن‌جا که اگر پارچهٔ کوچکی از نان در دست یکی از آنان می‌افتاد، همان را نیز به من می‌داد.ولید بن ولید بن مغیره نیز سخنی مشابه می‌گفت و می‌افزود:آنان ما را بر بالای شتران خود سوار می‌کردند و خود پیاده راه می‌رفتند».

بدین‌سان، هنگامی که این اسیران به مکه مکرمه بازگشتند، تمام سخنان‌شان دربارهٔ اخلاق نیکو، سخاوت، محبت و مهربانی رسول‌الله ﷺ و صحابه کرام آن حضرت بود.آنان دربارهٔ دعوت رسول‌الله ﷺ سخن می‌گفتند و ویژگی‌های نیک، تقوا، اصلاح و خیرخواهی دعوت آن حضرت را بیان می‌کردند.این رفتار نیک با اسیران، تأثیری ژرف بر دل‌های آنان گذاشت و بسیاری از ایشان بعدها مسلمان شدند.

---

[۲۵] -الأنبياء:(۱۰۷)

[۲۶] - المعجم الصغير للطبراني (۱/ ۲۵۰)، وقال الهيثمي: إسناده حسن. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد. محقق(٦ /٥٩)

ابوعزیز پس از جنگ بدر و پس از رسیدن اسیران به مدینه منوره، مسلمان شد و سائب بن عبید نیز همراه او اسلام را پذیرفت.

۳ -رفتار نیکوی رسول‌الله ﷺ با اسیران غزوۀ بنی‌مصطلق:

در غزوۀ بنی‌مصطلق، در میان کسانی که مسلمانان به اسارت گرفته بودند، جویریه رضي الله عنها، دختر حارث بن ضرار، رئیس قبیله نیز حضور داشت. او سبب رویدادی بزرگ و پربرکت برای قوم خویش گردید.

ام‌المؤمنین عایشه رضي الله عنها روایت می‌کند که جویریه رضي الله عنها نزد رسول‌الله ﷺ آمد و عرض کرد:ای رسول خدا! گرفتاری و رنجی بر من وارد شده است که از نظر شما پنهان نیست. من در سهم ثابت بن قیس بن شماس به عنوان کنیز اسیر قرار گرفته‌ام. با او قرارداد مکاتبت بسته‌ام؛ یعنی توافق کرده‌ام که در برابر پرداخت مبلغ معینی، آزادی خود را به دست آورم.

اکنون به حضور شما آمده‌ام تا از شما بخواهم در پرداخت مبلغ مکاتبت مرا یاری کنید.رسول‌الله ﷺ به او فرمود:آیا می‌خواهی کاری را برایت انجام دهم که از این بهتر باشد؟«جویریه گفت: «آن کار چیست، ای رسول خدا؟«رسول‌الله ﷺ فرمود: «من مبلغ مکاتبت تو را می‌پردازم و با تو ازدواج می‌کنم«.جویریه گفت: «بلی، ای رسول خدا! من به این پیشنهاد راضی هستم.»

عایشه رضي الله عنها می‌گوید: هنگامی که این خبر به مردم رسید که رسول‌الله ﷺ با جویریه بنت حارث ازدواج کرده است، مردم گفتند: «این‌ها خویشاوندان رسول‌الله ﷺ هستند!» از همین‌رو، صحابه کرام تمام اسیران بنی‌مصطلق را که در اختیار داشتند، آزاد کردند.عایشه رضي الله عنها می‌گوید: «به برکت این ازدواج رسول‌الله ﷺ، صد خانوادۀ از قبیلۀ بنی‌مصطلق آزاد شدند. به باور من، هیچ زنی را ندیده‌ام که به اندازۀ جویریه برای قوم خود مایۀ برکت بوده باشد) (۲۷)

۴ -رفتار نیکوی رسول‌الله ﷺ با مردم مکه در جریان فتح مکه مکرمه:

یکی از درس‌های مهم فتح مکه مکرمه، موضع و برخورد رسول‌الله ﷺ با مردم مکه بود؛ مردمی که از همان روزکه رسول‌الله ﷺ دعوت اسلام را آغاز کرده بود، دشمن او بودند و همواره با آن حضرت دشمنی ورزیده بودند.هنگامی که الله تعالی به رسول‌الله ﷺ عزت و پیروزی عطا کرد و آن حضرت بر آنان چیره شد، با وجود همۀ این دشمنی‌ها، با آنان از درِ بخشش و گذشت وارد گردید.همین مردم بودند که رسول‌الله ﷺ را آزار داده بودند، بر سر مبارک آن حضرت خاک پاشیده بودند و او را به مدت سه سال در شعب ابوطالب محاصره کرده بودند؛ تا آن‌جا که رسول‌الله ﷺ و همراهانش برگ درختان را می‌خوردند.

آنان توطئۀ قتل رسول‌الله ﷺ را طراحی کرده بودند، صحابه کرام آن حضرت را به‌شدت شکنجه داده بودند، دارایی‌ها و خانه‌های‌شان را از آنان گرفته و از سرزمین و وطن‌شان بیرون رانده بودند.با این همه، رسول‌الله ﷺ در برابر تمام این ستم‌ها و رفتارهای ناشایست، موضعی بس والا از بخشش و گذشت را اختیار کرد؛ موضعی که شایستۀ مقام کسی بود که الله تعالی او را رحمتی برای همۀ

---

[۲۷] - سنن أبی داود-ن (٤/ ٣٤)، المستدرك (٤/ ٢٨)

جهانیان فرستاده است.رسول‌الله ﷺ به مردم مکه فرمود:شما چه گمان می‌کنید که من با شما چه خواهم کرد؟«آنان گفتند: «تو برادر بزرگوار ما و فرزند برادر بزرگوار ما هستی».رسول‌الله ﷺ فرمود:اذْهَبُوا فَأَنْتُمُ الطُّلَقَاءُ.« بروید، شما همگی آزاد هستید) (۲۸)

۵ -رفتار نیکوی رسول‌الله ﷺ با اسیران غزوۀ حنین:

پیروزی مسلمانان در غزوۀ حنین، پیروزی بزرگی بر قبیلۀ هوازن بود.

در این جنگ، غنیمت‌های فراوانی به دست آمد و شمار زیادی از مشرکان نیز به دست مسلمانان اسیر شدند که بیشتر آنان زنان و کودکان قبیلۀ هوازن بودند.هنگامی که رسول‌الله ﷺ از غزوه بازگشت، هیئتی از قبیلۀ هوازن در جعرانه به حضور آن حضرت رسیدند. آنان اسلام آورده بودند و به رسول‌الله ﷺ عرض کردند:«ای رسول خدا! ما مردمی هستیم که با شما پیوند خانوادگی و خویشاوندی داریم. مصیبت و گرفتاری سختی بر ما وارد شده است که از نظر شما پنهان نیست. پس بر ما احسان کنید، همان‌گونه که الله تعالی بر شما احسان کرده است».

رسول‌الله ﷺ که نمونۀ برتر بردباری، بخشش، سخاوت و مهربانی بود، بی‌درنگ درخواست آنان را پذیرفت و تمام اسیران را آزاد کرد.

رسول‌الله ﷺ در اوج آن پیروزی بزرگ، خواهان آن بود که مردم به دین الله تعالی داخل شوند، نه این‌که آنان را مجازات کند یا از ایشان انتقام بگیرد.به سبب همین رحمت و سیاست خردمندانه بود که رسول‌الله ﷺ توانست قبیلۀ هوازن و هم‌پیمانان آنان را در کنار اسلام قرار دهد.

آن حضرت از این قبیلۀ نیرومند، نیروی پشتیبانی قدرتمندی در برابر دشمنان اسلام و بت‌پرستان در منطقه به وجود آورد) (۲۹).

اقول قولي هذا، استغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

---

[۲۸] - السنن الكبرى للبيهقي. ط المعارف بالهند (۹ /۱۱۸)

[۲۹]- السيرة النبوية لابن كثير (۳ /٦٦٩)